



زنان آسیایی، بهترین مدیران اقتصادی

دخل و خرج زندگی را به بانوی خانه بسپارید

■ **دکتر ربایه زینال***

چرا دخل و خرج خانه را به من نمی‌سپاری؟! باز حقوقت را از من پنهان کردی؟! من امور اقتصادی خانه را بهتر از تو مدیریت می‌کنم! باز هم به سر برج نسیده خرجی خانه را تمام کردی؟! چرا امنی توانیم هر ماه پس‌اندازی را برای خودمان جمع کنیم؟!

چرا، چرا و چراهای دیگر امروزه بحث بر سر نحوه مدیریت اقتصادی خانه میان بسیاری از زوج‌ها متداول است. مردانی که از سپردن خرجی خانه به دست همسران خود ابا دارند و زنانی که توانایی هماهنگ کردن دخل و خرج خانه را ندارند، هر ماه سبایه سنگین بحث و جدل‌های پیرامون هزینه‌های زندگی را بر سر خانه و زندگی خود احساس می‌کنند. به موازات ریاضت‌های اقتصادی در غرب، این مشکل هر چه بیشتر بر زندگی زوج‌های غربی سایه می‌اندازد. اکثر زنان خانه‌دار آمریکایی از مشکلاتشان بر سر خودداری همسرانشان از سپردن خرجی خانه به دست آنها گلّه می‌کنند.

آنهايي که به کار در خانه و کار در جامعه اشتغال دارند، حقوق و درآمدهای خود را از درآمد همسرشان جدا و مستقل عمل می‌کنند و درگیر اختلافات ناشی از خود

مختار عمل کردن خود و همسرانشان در امور اقتصادی خانه می‌شوند. بعضی از مردها علاقه‌ای به اعتماد کردن و سپردن خرج خانه به دست همسرانشان ندارند و گاه زمانی که خرج خانه را در دست می‌گیرند به مدیریت آن و پس‌انداز کردن سرمایه برای فرزندان خود قادر نیستند. باین حال، تجارب آسیایی‌ها در اینباره نشان می‌دهد که زنان آسیایی و بالخصوص زنان مسلمان توانسته‌اند به خوبی از پس قبول مسئولیت مدیریت اقتصادی خانه برآیند و اعتماد همسرانشان در این زمینه را به خوبی جلب کنند. پیش‌تر در کشورهای آسیایی چون هند، چین، ژاپن، اندونزی و حتی ایران عمده وظایف زنان در خانه، خانه‌داری، تربیت فرزندان و در مقابل وظیفه مردان تأمین نیازهای مالی خانه و خانواده بود. پول در دست مردان می‌چرخید، آنها عهده‌دار مخارج خانه بودند و زنان کمتر نقشی در این ماجرا نداشتند. اما امروز بعضی از اصول در خانواده‌های آسیایی با تغییراتی مواجه شده است. تحقیقات و تجربیات نشان داده است که اکثر زنان بهتر از مردان می‌توانند در امور اقتصادی خانواده نقش خود را ایفا و برنامه‌ریزی کنند. حتی در مواردی هنگامی که مردها نمی‌توانستند دخل و خرج زندگی را با هم جور کنند، زنان با همان درآمد قادر به پس‌انداز مبلغی از خرجی خانه بودند. به همین دلیل در بعضی از کشورهای

آسیایی - اسلامی دولتمردها اوادار کرده است که درآمد خود را به دست همسرانشان بسپارند. جالب توجه است که در این موارد مردها از این موضوع ناراضی نبودند، چرا که به این وسیله مسئولیت خطیری از روی دوش آنها برداشته می‌شد.

امروزه زنان زیادی اقتصاد خانواده‌ها را مدیریت می‌کنند. اسماعیل گیو، ۲۶ ساله، مسئول برنامه‌های تشریفاتی دولت اندونزی در شهر گروتالو حقوق خود را مستقیماً به حساب جاری همسرش واریز می‌کند. گروتالو، یک روستایی مسلمان در سولاوسی اندونزی نیز همین کار را می‌کند و این اتفاق خود نشانه‌ای است از اینکه زندگی در نقاط مختلف قاره آسیا در حال تغییر است.

اسماعیل مانند بسیاری از مردان اندونزیایی از اینکه اداره امور زندگی‌اش را به همسرش واگذار کند در ابتدا اصلاً راضی نبود. این زوج صاحب یک نوزاد ۵ ماهه هستند

و اسماعیل همیشه از این بابت نگران بود که حقوق دریافتی‌اش تا سر ماه کفاف مخارج آنها را می‌کند یا خیر؟ حالاً او خودش می‌گوید: احساس می‌کنم بار بزرگی از روی دوشم برداشته شده، چرا که دیگر مسئول نیستم دخل و خرج خانه را با هم جور کنم.

اخیراً زنان چینی و ژاپنی نیز امور مالی خانه را بر عهده گرفته‌اند. تورو مایاشی ۵۳ ساله از اعضای مجلس ژاپن بدون آنکه قانونی او را مجبور کرده باشد در پایان هر ماه حقوق خود را در اختیار همسرش قرار می‌دهد تا او تعادل اقتصادی را در خانه برقرار کند. ۲۷ سال از ازدواج این زوج می‌گذرد و آنها صاحب دو فرزند پسر ۲۲ و ۲۵ ساله هستند؛ خانه‌شان در ماستوماتو، شهری واقع در شمال غرب توکیو است. فاصله ماستوماتو تا توکیو با قطار بین شهری تقریباً سه ساعت است. همسر تورو مایاشی با حقوقی که هر ماه دریافت می‌کند قادر است تمام نیازهای

د

بعضی از مردها علاقه‌ای به اعتماد کردن و سپردن خرج خانه به دست همسرانشان ندارند و گاه زنانی که خرج خانه را در دست می‌گیرند به مدیریت آن و پس‌انداز کردن سرمایه برای فرزندان خود قادر نیستند. با این حال، تجارب آسیایی‌ها در اینباره نشان می‌دهد که زنان آسیایی و بالخصوص زنان مسلمان توانسته‌اند به خوبی از پس قبول مسئولیت مدیریت اقتصادی خانه برآیند و اعتماد همسرانشان در این زمینه را به خوبی جلب کنند

د

چون سرمایه‌گذاری نیز نقش داشتند. لیوچین یک زن با اراده چینی است. جالب است که او در ماه بابت هزینه‌های مختلفی چون کرایه تاکسی، خورد و خوراک و هزینه‌های شخصی دیگر چندین هزار یون پول تو جیبی به همسرش می‌دهد.

تا او مجبور نباشد ساعت‌ها وقت خود را در صف‌های طولی عابر بانک‌های چین بایستد. این زوج ۱۲ سال است ازدواج کرده‌اند و صاحب یک دختر ۱۰ ساله هستند. در چین چنین تلقی می‌شود که هر چه زنان باسوادتر باشند، توانایی آنها در سرمایه‌گذاری و مدیریت مسائل مرتبط با اقتصاد بیشتر خواهد بود.

در هندوستان گرچه تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، به‌ویژه در میان خانواده‌ها از طبقات پایین جامعه وظیفه مردان است. اما حالا به نظر می‌رسد زنان هندی بیش از پیش وارد جامعه و محیط کار شده و نقش مهم‌تری در براره مسائل اقتصادی خانه و خانواده ایفا می‌کنند. آنجناکوماری، مدیریت برکنر تحقیقات اجتماعی یک سازمان غیردولتی در دهلی نوست. به عقیده او بعضی از زنان حتی حقوقی برابر با حقوق همسرشان را حتی بیشتر از آنها دریافت می‌کنند و با ادغام حقوق خود و حقوق همسر خود برای خروج و پس‌انداز امروز حرف بیشتری برای گفتن دارند. شاید بتوان برای اثبات گفته آنجناکوماری به پدیده‌موهان اشاره کرد. او یک معلم ۲۸ ساله است که ماهانه ۱۵ هزار روپیه، معادل ۲۲۸ دلار حقوق دریافت می‌کند. پدیده‌موهان در اوایل دوران ازدواجش تمام حقوق خود را به همسرش تحویل می‌داد تا او تصمیم بگیرد چقدر از آن را بابت هزینه‌های مختلف اعم از خرید لباس، آغذیه و پرداخت صورتحساب‌ها و باقی‌محتاج بپردازد. بعد از مدتی همسرش تصمیم گرفت به پدیده‌موهان اعتماد کند. او دخل و خرج خانه را به پدیده‌موهان سپرد و در کمال تعجب شاهد آن بود که نه تنها در پایان ماه همچون گذشته سروله مشکلات مالی پیدا نشد، بلکه همسرش توانسته بود مقداری از حقوق خود را پس‌انداز کند.

فارغ از اسکناس‌هایی که بپهوده صرف خرید زرق و برق روزگار و لوازم آرایشی و اسباب‌لپه و لعب‌غربی می‌شود، اولین اولویت زنان آسیایی در زندگی رفاه خانواده، تأمین آبندهای خوب و ایمن برای فرزندان و تهیه مخارج تحصیلی آنها است؛ گرچه جامه عمل پوشاندن بر این اولویت‌ها در کشورهای آسیایی کار آسانی نیست، اما آمار و ارقام و تحقیقات گویای آن است که زنان آسیایی از پس این مسئولیت مهم به خوبی برآمده‌اند.

■ **پژوهشگر روابط بین الملل**

مدیریت مصرف، مهم‌ترین رفتار در اقتصاد مقاومتی

اقتصادی که از سبذ خرید به بازار می‌رود

■ **یاسمین سبحانی‌پور***

به‌طور کلی مقاومت، نسخه‌ای است که معمولاً در مقابل هر نوع اتفاق، فشار یا رفتار از جانب متخصصین و اهل فکر توصیه می‌شود. اگر جنگ رزمی صورت بگیرد مقاومتی که

برنامه‌ریزی می‌شود جسمی و نظامی است و اگر جنگ غیرعلنی شکل بگیرد مقاومتی که توصیه می‌شود بر حسب نوع حمله و هدف آن متفاوت خواهد بود. خلاصه کلام اینکه وقتی می‌گوییم «اقتصاد مقاومتی» در کشور باید اجرا شود مطمئناً از سوی جبهه دشمن جنگ اقتصادی تحمیل شده که باید برای پیروزی در این جنگ مقاومتی از نوع حمله‌های خود این جنگ‌تدارک ببینیم.

به‌طور کلی منظور اقتصاددان‌ها از اقتصاد مقاومتی مجموعه‌ای از راهبردهایی است که در شرایط تحریم و فشارهای اقتصادی تجویز می‌شود و با اجرای آنها می‌شود بخش مهمی از فشارهای اقتصادی تحمیلی از خارج کشور را دفع کرد. مهم‌ترین مسئله در پیروزی راهبردهای اقتصاد مقاومتی مشارکت داشتن همه عوامل اقتصادی یک کشور از جمله مردم و خانواده‌ها، حاکمان و صنعتگران و عوامل مهم اقتصادی است. دقیقاً به همین دلیل است که «حرکت بر اساس برنامه»، «مردمی کردن اقتصاد»، «استفاده حداکثری از زمان، منابع و هزینه‌های شخصی دیگر چندین هزار یون پول تو جیبی به همسرش می‌دهد.

تا او مجبور نباشد ساعت‌ها وقت خود را در صف‌های طولی عابر بانک‌های چین بایستد. این زوج ۱۲ سال است ازدواج کرده‌اند و صاحب یک دختر ۱۰ ساله هستند. در چین چنین تلقی می‌شود که هر چه زنان باسوادتر باشند، توانایی آنها در سرمایه‌گذاری و مدیریت مسائل مرتبط با اقتصاد بیشتر خواهد بود.

در هندوستان گرچه تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، به‌ویژه در میان خانواده‌ها از طبقات پایین جامعه وظیفه مردان است. اما حالا به نظر می‌رسد زنان هندی بیش از پیش وارد جامعه و محیط کار شده و نقش مهم‌تری در براره مسائل اقتصادی خانه و خانواده ایفا می‌کنند. آنجناکوماری، مدیریت برکنر تحقیقات اجتماعی یک سازمان غیردولتی در دهلی نوست. به عقیده او بعضی از زنان حتی حقوقی برابر با حقوق همسرشان را حتی بیشتر از آنها دریافت می‌کنند و با ادغام حقوق خود و حقوق همسر خود برای خروج و پس‌انداز امروز حرف بیشتری برای گفتن دارند. شاید بتوان برای اثبات گفته آنجناکوماری به پدیده‌موهان اشاره کرد. او یک معلم ۲۸ ساله است که ماهانه ۱۵ هزار روپیه، معادل ۲۲۸ دلار حقوق دریافت می‌کند. پدیده‌موهان در اوایل دوران ازدواجش تمام حقوق خود را به همسرش تحویل می‌داد تا او تصمیم بگیرد چقدر از آن را بابت هزینه‌های مختلف اعم از خرید لباس، آغذیه و پرداخت صورتحساب‌ها و باقی‌محتاج بپردازد. بعد از مدتی همسرش تصمیم گرفت به پدیده‌موهان اعتماد کند. او دخل و خرج خانه را به پدیده‌موهان سپرد و در کمال تعجب شاهد آن بود که نه تنها در پایان ماه همچون گذشته سروله مشکلات مالی پیدا نشد، بلکه همسرش توانسته بود مقداری از حقوق خود را پس‌انداز کند.



وقتی زمان می‌توانند چرخ‌های کوچک خانوادگی را مدیریت کنند به راحتی می‌توانند آمار و ارقام مربوط به خریدهای منطقه‌ای، شهری و حتی کشوری را هم تغییر دهند.

بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری از مهم‌ترین استراتژی‌های اقتصاد مقاومتی مدیریت مصرف، یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر است و نکته مهم در این اصل این است که دستگاه‌های دولتی، دستگاه‌های غیردولتی، تک‌تک مردم و همه خانواده‌ها کنار هم باید به این اصل توجه و عمل کنند.

از منظر مقام معظم رهبری راه‌حل بعدی در این برهه زمانی مسئله تعادل در مصرف و مدیریت مصرف داخلی است یعنی اینکه همه مردم و از همه مهم‌تر مسئولان سه‌قوا به عنوان چولداران این جبهه تمام تلاش‌شان را به یاد بیندند تا در هر سطح و برای رفع هر نوع نیازی از تولیدات داخلی استفاده کنند.

البته هدف از اجرای اصل دوم این است که مصرف کالاها و تولیدات داخلی رفته‌رفته از رده‌های بالای کشور و اداره‌ها به جمع خانواده‌ها و در بین همه مردم کشور ورود پیدا کند. نتیجه چنین رفتارهای مصرفی طبیعتاً باید این باشد که محصولات متفاوتی که در امروز بخش خصوصی داخلی در همه خانواده‌ها، سازمان‌ها و بخش‌های دولتی حضوری بسیار پررنگ داشته باشند.

اقتصاد مقاومتی هم مثل هر برنامه بلندمدت برای تأثیرگذاری بیشتر باید پایه‌ریزی‌هایی متناسب با همه شرایط حاکم بر کشور و نیروهای انسانی آن داشته باشد. در ایران بسته به برنامه‌های اقتصادی متفاوتی که تا امروز از سوی دولت‌های مختلف اجرایی شده است تجربه نشان می‌دهد که تنها برنامه درازمدت اقتصادی می‌تواند نتیجه‌بخش باشد که افزایش تولیدات داخلی، به‌کارگیری نیروهای بومی، ایجاد زمینه مناسب برای تولید مواد اولیه همه محصولات تولیدی کشور، استفاده از

د

نکته مهم در اقتصاد مقاومتی این است که مردم به عنوان مهره‌های اصلی جهت‌دهی به سیستم اقتصادی یک کشور تلاش کنند در وهله اول مصرف‌کنندگان خانواده‌ها را به حداقل‌ها کاهش بدهند و در همین حداقل‌ها هم تمام تلاش‌شان را بکنند تا از محصولات جایگزین داخلی برای رفع نیاز استفاده کنند



وقتی زمان می‌توانند چرخ‌های کوچک خانوادگی را مدیریت کنند به راحتی می‌توانند آمار و ارقام مربوط به خریدهای منطقه‌ای، شهری و حتی کشوری را هم تغییر دهند.

بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری از مهم‌ترین استراتژی‌های اقتصاد مقاومتی مدیریت مصرف، یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر است و نکته مهم در این اصل این است که دستگاه‌های دولتی، دستگاه‌های غیردولتی، تک‌تک مردم و همه خانواده‌ها کنار هم باید به این اصل توجه و عمل کنند.

از منظر مقام معظم رهبری راه‌حل بعدی در این برهه زمانی مسئله تعادل در مصرف و مدیریت مصرف داخلی است یعنی اینکه همه مردم و از همه مهم‌تر مسئولان سه‌قوا به عنوان چولداران این جبهه تمام تلاش‌شان را به یاد بیندند تا در هر سطح و برای رفع هر نوع نیازی از تولیدات داخلی استفاده کنند.

البته هدف از اجرای اصل دوم این است که مصرف کالاها و تولیدات داخلی رفته‌رفته از رده‌های بالای کشور و اداره‌ها به جمع خانواده‌ها و در بین همه مردم کشور ورود پیدا کند. نتیجه چنین رفتارهای مصرفی طبیعتاً باید این باشد که محصولات متفاوتی که در امروز بخش خصوصی داخلی در همه خانواده‌ها، سازمان‌ها و بخش‌های دولتی حضوری بسیار پررنگ داشته باشند.

اقتصاد مقاومتی هم مثل هر برنامه بلندمدت برای تأثیرگذاری بیشتر باید پایه‌ریزی‌هایی متناسب با همه شرایط حاکم بر کشور و نیروهای انسانی آن داشته باشد. در ایران بسته به برنامه‌های اقتصادی متفاوتی که تا امروز از سوی دولت‌های مختلف اجرایی شده است تجربه نشان می‌دهد که تنها برنامه درازمدت اقتصادی می‌تواند نتیجه‌بخش باشد که افزایش تولیدات داخلی، به‌کارگیری نیروهای بومی، ایجاد زمینه مناسب برای تولید مواد اولیه همه محصولات تولیدی کشور، استفاده از

■ **کارشناس ارشد اقتصاد شهری و منطقه‌ای**



سختکوشی چشم‌بادامی‌ها را یاد بگیریم

هموطنان چینی!

جوری که گاهی آدم فکر می‌کنند صوفی‌گری بعد از حمله مغول و آن روی آوردن به زندگی عارفانه را درست نمی‌دانیم که با این همه انرژی در چشم‌ها و قیافه‌هایمان و درک بزرگی که از هستی داریم چرا در عمل خیلی وقت‌ها کاهلیم؟



■ **کارشناس خانه‌شهریاران جوان**

مجرى تلویزیون داشت صحبت می‌کرد، از اتفاق جوان بود و پرت‌زوی و همین باعث شده بود حال و هوای صبحگاهی برنامه حواسش را پرت کند و در حال توضیح خبری بگویی، بله هموطنان چینی به تازگی فلان کار را کرده‌اند! هم خندم‌گرفته بود، هم فکر می‌کردم چقدر خوب بود که می‌توانستیم هموطن چینی هم داشته باشیم!

اگر این اتفاق می‌افتاد آنوقت جمعمان جمع می‌شد، هموطن اصفهانی، هموطن شیرازی، هموطن آذری، هموطن کرد، هموطن رشتی و ... واقعا وقتی هر گروه از هموطنان را نام می‌بریم ناخودآگاه آدم یاد یک ویژگی‌شان می‌افتد. چینی‌ها هم همینطور، نمی‌دانم چرا همه دنیا چینی‌ها را به سختکوشی می‌شناسند، انگار که هر کاری را شروع کنند حتماً و با بهترین کیفیت تمام می‌کنند، خسته هم نمی‌شوند. البته مسئله دیگری هم هست و آن تفاوت چشم‌های ایرانی‌ها با مردمان شرق آسیاست، چشم‌های ما درشت و پر نور است، شوق زندگی در چشم‌های ایرانی‌ها بیشتر دیده می‌شود و البته که این باعث می‌شود تشخیص احساس در قیافه چینی‌ها خیلی سخت باشد، یادشان، تعجبشان، غمشان و اینگونه